

انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با شهرنشینی در ایران

دکتر سیف‌الله سیف‌اللهی*

دکتر امیر مسعود امیرمظاهری**

مقدمه

از آنجا که زندگی شهری تفاوتی بنیادین با زندگی در اجتماعات روستایی و عشایری دارد، تجلی این تفاوت را در بسیاری از کنش‌های انسانی همچون تعاون، ستیز، رقابت، رفتارهای انحرافی، سازگاری و انطباق اجتماعی می‌توان مشاهده کرد. آنچه گفتنی است هر نظام اجتماعی، الگوهای ارزشی، هنجاری، کنشی و ارتباطی خاص خود را تولید می‌کند و انطباق اجتماعی بین کنشگران از این طریق انجام می‌شود و همین مسئله انطباق اجتماعی مهاجران و تازه‌واردان به زندگی شهری را به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر کرده و گونه‌های مختلف انطباق اجتماعی را در زندگی شهری پدید می‌آورد. جریان‌های مذکور باعث می‌شود که این جماعات در محیط‌های جدید با تأخیر به انطباق اجتماعی دست یابند.

در مقاله حاضر با توجه به اهمیت سیاسی و استراتژیک کلان شهر تهران، عوامل اجتماعی، فرهنگی، محیطی و اقتصادی مؤثر بر انطباق اجتماعی یاد شده بررسی گردیده است.

بیان مسئله

میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری در شهر تهران از نظر عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی تأثیر عمیق بر نظم اجتماعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی دارد.

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

اگر انطباق اجتماعی را مسامحتاً به معنای پذیرش یا عدم پذیرش باورداشت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و مقتضیات یا شرایط جدیدی که برای یک عضو از جامعه پیش می‌آید تعریف کنیم، در این صورت ما با انواع انطباق مواجه خواهیم شد. در واقع انطباق به عنوان یک پیوستار تمایلی (continuum tendency) می‌تواند از صفر تا صد درجه شدت داشته باشد و طبیعتاً ما نه یک انطباق، بلکه گونه‌های مختلف انطباق (همچون هم‌نوازی و هم‌رنگی، هم‌سازی و مشارکت، فرهنگ‌پذیری) خواهیم داشت که هر یک بخش مختصری از مضمون فوق را دربرمی‌گیرد. برای مثال تبعیت از نوع پوشش و آرایش ظاهری شهرنشینان تنها یک انطباق سطحی و صوری است. در حالی که پذیرش ارزش‌ها و عقاید مذهبی شهروندان یک انطباق عمیق‌تر و پایدارتر است.

اما مفهوم انطباق بدون عامل کنشگر، مفهومی بی‌معنا است؛ چراکه انطباق در یک ظرف مکانی و زمانی و در یک محدوده جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی معنا پیدا می‌کنند. چنانچه ظرف مکانی ما، شهر یا یک منطقه فقیرنشین یا حاشیه شهر و کنشگر نیز یک شهروند مستقر در این مناطق باشند. در این صورت ما می‌توانیم چندین نوع شهروند را از یکدیگر تفکیک کنیم. شهروند انطباق یافته، شهروند انطباق نیافته، شهروند انطباق‌دهنده یا انطباق‌گر، شهروند انطباق‌پذیر یا منفعل که هر یک در قالب تعریفی خاص و از طریق معرف‌های خاصی قابل تمیز از یکدیگرند.

از دیدگاهی دیگر، انطباق یک مفهوم دو ساحتی است. در یک سوی انطباق، خرده فرهنگ‌ها، افکار، ارزش‌ها، ایدئولوژی و شیوه‌های سنتی و ثبات یافته قرار گرفته و در سوی دیگر این مفهوم، خرده فرهنگ‌ها، افکار، عقاید، ارزش‌ها و شیوه‌های مدرن و هنوز پذیرفته نشده، قرار گرفته است.

چه بسیارند عناصر خرده فرهنگ‌ها که در روند نقل و انتقال، موجودیت و اصالت خود را از دست می‌دهند و در درون ساخت جدید ذوب یا استحاله می‌شوند؛ استحاله‌های فکری ارزشی، عقیدتی و مانند آن که گونه‌ای از انطباق در عمق بیشتر هستند، (در صورتی به وجود می‌آید که دو طرف انطباق در این جا الزاماً فرد نیست و چه بسا گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگ (مانند احزاب سیاسی به عنوان یک گروه اجتماعی بزرگ) و یا دو سازمان با بافت رسمی نیز مطمح نظر قرار گیرد).

جامعه ایران به دلیل قرار گرفتن در شرایط گذار و تغییرات بیرونی تعادل نظام اجتماعی‌اش برهم خورده است و بالطبع نمی‌توان انتظار انطباق اجتماعی کامل (هم‌نوازی) در کلیه سطوح و لایه‌های اجتماعی داشت و به نوعی مشاهده می‌کنیم که حتی در بالاترین

سطوح لایه‌ها و طبقات اجتماعی گونه‌ای تساهل و تسامح (مدارا) در شبکه روابط اجتماعی وجود دارد و بر اساس درون‌دادی (input) که در اختیار کنشگران و اجزای نظام اجتماعی قرار می‌گیرد اجزای نظام اجتماعی توقع و انتظار برون‌داد (output) دارند.

شاهد مثال این مسئله، وجود بسیاری از مشاغلی همچون کسپن فروشی، دوره‌گری، بساط پهن کنی و معاملات غیر رسمی است که از گذشته در جامعه ایران کارکرد داشته، اما قانون‌گذار نتوانسته راه‌های کنترل و بسامان کردن آنها را پیدا کند به همین دلیل ضابطین قانون ضمن آن‌که با این مشاغل به عنوان فعالیت غیر قانونی برخورد کرده‌اند به دلیل کثرت و کارکرد آنها در جامعه ناگزیر بوده‌اند نسبت به آنها تغافل داشته باشند و با دیده اغماض به این فعالیت‌ها بنگرند (نامه انجمن جامعه‌شناسی، شماره ۳، ص ۹۱).

در این بررسی تأکید بر میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری در کلان شهر تهران بزرگ است و مفاهیم دیگر همچون آنومی، سازگاری اجتماعی، وفاق و انسجام اجتماعی، یکپارچگی و همنوایی اجتماعی به تنهایی برای بررسی این موضوع کفایت نمی‌کند، هر چند که انطباق اجتماعی با همه این مفاهیم سر و کار دارد.

متغیرهای مستقل تحقیق در سطح خرد شامل متغیرهای فردی همچون، سن، جنس، تأهل، سواد اشتغال، قومیت، مدت و محل اقامت، زبان و دین است و در سطح کلان متغیرهای اجتماعی همچون همبستگی و انسجام اجتماعی، تعلق خاطر اجتماعی، قانون‌گرایی و قانون‌گریزی، اعتماد و عدم اعتماد به تدابیر نهادی، تلقی شان از الگوی زیست و معیشت ایده‌آل، میزان رضایت اجتماعی و احساس محرومیت نسبی، سطح نیازها و توقعات اجتماعی برآورده شده و نشده، بالاخره میزان پایبندی به نظام ارزشی سنتی، مسئله تناقض ارزش‌های نوین در میزان انطباق اجتماعی مؤثر به نظر می‌رسد.

مباحث نظری

دیدگاه‌های ساختی-کارکردی انطباق اجتماعی

انطباق اجتماعی به عنوان یکی از بخش‌های اساسی کارکرد هر نظام اجتماعی است و در صورتی یک جامعه متعادل است و می‌تواند بقای خود را حفظ نماید که با بهره‌گیری از مکانیسم‌های انطباق اجتماعی، آماده پذیرش دستاوردهای نوین تمدنی باشد و به تعادل برسد. دیدگاه مذکور را می‌توان برای تحلیل چگونگی انطباق در سطح نظام اجتماعی (کلان) و انطباق در سطح کنشگران (خرد) بر اساس مدل تحلیلی گزارش در بخش ویژگی‌های جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی مورد استفاده قرار داد.

مفاهیمی که در بینش سیستمی وجود دارد، مانند نظام، نظام اجتماعی، سازگاری، تعادل، تعادل پویا، وحدت، کلیت، محیط نظام جوامع باز و بسته و غیره به نوعی در این جامعه‌شناسی نیز مطرح می‌شوند. دل‌بستگی به مفهوم نظام نزد کارکردگرایان آنها را مجبور ساخت در تفسیر و توجیه پدیده‌های اجتماعی از مفهوم «ساخت» مدد بجویند و آن را به عنوان بخش نسبتاً ثابت یک نظام اجتماعی در نظر بگیرند (ادیبی، ۱۳۶۹، ص ۶۳). البته واژه‌های ساخت و نظام هر دو انتزاعی می‌باشند (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۸). به عبارت دیگر الگوهایی هستند برای توصیف پدیده‌های اجتماعی. در واقع باید اذعان کرد که آنها حاصل انتزاع یافته دو نگرش به یک پدیده واحدند. بنابراین برای توضیح بیشتر می‌توان گفت هر نظام اجتماعی دارای ساخت است، (جانسون، ۱۳۶۳، ص ۵۷) که هر یک از ساخت‌ها دارای کارکرد مشخصی در نظام اجتماعی است.

تقسیم‌کار آنومیک و انطباق اجتماعی

از دیدگاه امیل دورکیم اساسی‌ترین علت آسیب‌های اجتماعی (Social Pathology) و شرایط آنومیک (Anomic) در جوامع مدرن مربوط است به نابسامانی تقسیم‌کار در این جوامع، به زعم وی شرایط آنومیک و شرایط آسیب دیده دو مفهوم کاملاً مترادفند (P:۷۶ Ritzer, ۱۹۸۸).

هرگاه تقسیم‌کار نتواند پیوندهای میان افراد را تقویت کند، عدم کنترل اخلاقی یا نابهنجاری یا آنومی حادث می‌شود، یعنی شرایطی حاصل می‌گردد که در آن تعهدات متقابل نادیده گرفته می‌شوند و در پی آن کشمکش‌های روی می‌دهد که از هیچ قانون و قاعده‌ای پیروی نمی‌کند.

تفاوت اصلی بین مارکس و دورکیم این است که مارکس ظاهراً معتقد بود که هر نوع تقسیم‌کار چنین پیامدهایی دارد، در حالی که دورکیم «تحقیر و تنزل مقام انسانی» کارگر را فقط مربوط به تقسیم‌کار آنومیک می‌دانست، نظامی که خود تنزل یافته و خصوصیت اخلاقی خود را از دست داده است. راه‌حل این معضل از بین بردن تقسیم‌کار نیست، چرا که تقسیم‌کار به نظر دورکیم برای جامعه جدید ضروری است. در عوض، هر فرد باید نقش خود در تقسیم‌کار را به بهترین صورت ممکن انجام دهد و تعهدهای خود به دیگران و جامعه را به یاد بسپارد. (گرب، ۱۳۷۳، ص ۱۰۷)

تقسیم کار اجباری و انطباق اجتماعی

به نظر دورکیم، از بین بردن آنومی به وسیله قواعد اخلاقی برای جوامع نابسامان ضروری است. با وجود این، قواعد به تنهایی نمی‌تواند تمام موارد نابهنجار را که همبستگی اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد، از میان بردارد. همان‌طور که دورکیم متذکر شد «وجود صرف قوانین کافی نیست»، زیرا که «گاه خود قوانین علتی برای ضرر و زیان‌آند». این نکته به بحث پیشتر دورکیم درباره مکان عدم تطابق قوانین و قواعد رسمی و اخلاقیات صحیح مربوط است. گاه ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که مناسب زمانه نیست و فقط به این دلیل حفظ شده است که به نفع افراد خاصی است که قادرند آن قوانین را به وسیله زور و فریب و یا با توسل به سنت یا بر جا نگاه دارند (گرب، ۱۳۷۳، ص ۱۰۷).

اعمال چنین قواعد نامناسب و ناعادلانه‌ای منجر به دومین نوع تقسیم کار نابهنجار می‌شود که دورکیم آن را شکل اجباری تقسیم کار می‌نامد. در جامعه جدید بنیان اصلی اخلاقیات و همبستگی اجتماعی، رشد و شکوفایی فردگرایی است، «یعنی شکوفایی آزادانه نیروی اجتماعی که درون هر فرد وجود دارد». در تقسیم کار بهنجار، خود واقعی فرد که شامل «توانایی‌های» ویژه و «استعدادهای ذاتی» وی است، مجال رشد کردن می‌یابد. در چنین نظامی، افراد به جایگاه مناسب خود در جامعه دست می‌یابند و بدین وسیله به مطالبات خود می‌رسند و در عین حال توانایی خود را برای رفع حوایج جامعه به حداکثر می‌رسانند. ولی در تقسیم کار اجباری، افراد قدرتمند بر حسب منافع شخصی و خودخواهی عمل می‌کنند و با قواعدی که به اجرا در می‌گذارند، جایگاه برتر خود را حفظ می‌کنند و دیگران را وادار به اجرای نقش‌هایی می‌سازند که با در نظر گرفتن توانایی‌ها و علایق آنها، مناسب و عادلانه نیست.

انطباق اجتماعی و نقش دولت

دورکیم همچون وبر دولت را مثابه «اندام اصلی» جامعه جدید می‌پنداشت، ارگانی که گسترش می‌یابد و تجزیه و تفکیک می‌شود و وظایف بسیار زیاد و «کارکردهای متعددی» را متقبل می‌شود. کارکردهایی همچون برقراری «عدالت» و «آموزش تربیت جوانان» و مدیریت تربیت گوناگون همچون «بهداشت عمومی» و «حمل و نقل و ارتباطات» و «امور نظامی» (گرب، ۱۳۷۳، ص ۱۰۹).

ساختار و کنش در اجتماعات سنتی و نوین در قالب همبستگی مکانیکی و ارگانیکی توسط دورکیم بیان می‌شود. در جامعه‌هایی که همبستگی مکانیکی مسلط است، ساختار

اجتماعی از شبکه‌های خویشاوندی تشکیل می‌شود. جامعه پیچیده‌تر، مدرن و متشکل از گروه‌های فردی هستند که از طریق تقسیم کار شکل می‌گیرد و دولت بر آنها نظارت می‌کند (یان کرایب، ص ۱۵۵).

به عقیده دورکیم، اینکه دولت نمی‌تواند حافظ اخلاقی قلمرو اقتصادی باشد، مسئله‌ای جدی است که امید به دست‌یابی به تقسیم کار بهنجار را به مخاطره می‌اندازد، چون می‌توان بی‌عدالتی و کشمکش‌های اجتماعی را تقلیل داد، هنگامی که ساختار اقتصادی از قید و بندهای اخلاقی مبری است، چگونه ممکن است بتوان نابرابری اجباری و تضاد طبقاتی را از میان برد، هنگامی که میدان اصلی وقوع این مبارزه‌ها به نظم در نیامده باشد؟

انطباق اجتماعی نابهنجار در نظریه دورکیم

با توجه به تحلیل سیستمی دورکیم، جامعه در سیر طبیعی و سالم خود بعد از نظام تقسیم کار بهنجاری می‌رسد. ممکن است وضعیتی پیش آید که جامعه نتواند آن سیکل را طی نماید و در بند مسائل و مشکلات اجتماعی باقی بماند (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۰).

دورکیم در تفکیک امر بهنجار و مرضی اشاره می‌کند اساساً چیزی طبیعی یا بهنجار است که به مقدار زیاد موجود باشد و به همین دلیل امر بهنجار می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق کند و به عبارتی پیامد یک عمل می‌تواند در جامعه‌ای جرم باشد ولی در جامعه‌ای دیگر این‌گونه نباشد (کرایب، ص ۷۱). به زعم دورکیم آنومی به شرایط اجتماعی اطلاق می‌شود که نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی کار آرای‌اش را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خودشان رها می‌شوند. (کوزر، ۱۳۶۸، ص ۲-۱۹۱). یا معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰) و یا در جامعه هنجارهایی برای راهنمایی افراد وجود ندارد و یا هنجارهای قبلی دچار از هم پاشیدگی می‌شوند (آرون، ۱۳۶۴، ص ۳۷۵). در چنین شرایطی تعهدات نادیده گرفته می‌شوند و افراد از هیچ قاعده و قانون تبعیت نمی‌کنند.

در شرایط آنومیک، اهداف و ارزش‌های معمولی و مشترک دیگر مورد قبول افراد جامعه قرار نمی‌گیرد. ضمن آن‌که ارزش‌ها و اهداف جدیدی نیز جایگزین آن نمی‌شود. آسیب‌شناسی به زعم دورکیم عمدتاً دو حالت دارد: گاه ممکن است سیستم و نظام اجتماعی دچار اختلال شود، و گاه افراد و گروه‌های کوچک داخل نظام اجتماعی تضاد منافع پیدا می‌کنند.

کارکردگراها معتقدند که انسان، طبیعت شروری دارد، بنابراین در نظام دورکیمی اگر

توان فرد را در اجبار اجتماعی قرار داد و با اجتماع همراه کرد، وی منافع فردی خود را بر منافع جمعی تفوق می‌دهد، لذا جامعه با آسیب و انحراف روبرو می‌شود و این آسیب‌ها و انحرافات با گرایش‌های «فردگرایانه» (Individualistic) و یا گرایش‌های «خودگرایانه» (Egoidtic) نمود پیدا می‌کند (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱).

توافق و انطباق اجتماعی در نظریه مرتون

در اندیشه جامعه‌شناسان کارکردگرا دو نکته عمده وجود داشت: یکی راه‌ها و طرقی که برای رسیدن به اهداف برگزیده می‌شود و مورد توافق عموم است و دیگری نیازهای جمعی، که در تلاش دستیابی به اهداف مشترک است. آنچه که در این دو نکته مشخص می‌شود مفهوم «توافق اجتماعی» است که در اندیشه مرتون نیز وزن خاصی دارد. در جامعه ما با گروه کثیری مواجه می‌شویم که در انتخاب راه‌ها برای رسیدن به اهداف توافق دارند. این گروه از افراد که با قراردادهای فرهنگی موافقت می‌کنند و یا به تطابق می‌رسند، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند و بنا به اعتقاد مرتون معیار، اکثریت جامعه است. بنابراین ملاک، آن چیزی است که در عمل اتفاق می‌افتد و برای زندگی اغلب مردم فایده‌بخش است و چون اکثریت مردم توافق کرده‌اند و این توافق در واقع قانون زندگی آنان می‌باشد و در جامعه عمل می‌شود، پس «درست» (Rational) و «سالم» (Just) است. چراکه عمل می‌کند و کارکرد دارد و آن چیزی درست است، که کارکرد داشته باشد (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۸-۱۶۷).

به عبارت بهتر، کارکرد مثبت باید «پایداری و ثبات» را برای جامعه تشدید کند. تا اینجا مرتون، پارسونز را همراهی می‌کند، اما در ادامه می‌گوید: گرچه ملاک اکثریت جامعه است، اما اکثریت همه آحاد مردم را دربر نمی‌گیرد، عده‌ای از مردم هستند که داخل این گروه کثیر نیستند و به نحوی از اکثریت جدا افتاده‌اند. به نظر وی جامعه‌شناس وظیفه دارد که این گروه‌ها را نیز مد نظر قرار دهد، مطالعات وی در این زمینه، یکی از بزرگترین الگوهای جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در مکتب کارکردگرایی انسجامی محسوب می‌شود.

پیش‌شرط‌های انطباق اجتماعی از نظر پارسونز

از نظر پارسونز یگانگی و نهادی شدن از جمله ضرورت‌های کارکردی کنش و انطباق اجتماعی است. نهادی شدن الگوهای هنجاری در زمینه کنش متقابل میان کنشگران دارای منزلتی است که از طریق نظم هنجاری و تبعیت از الگوهای فرهنگی انجام می‌شود. انطباق اجتماعی از این نظر فرایندی است که به وسیله آن ساخت اجتماعی ایجاد و تداوم می‌یابد.

مجموعه نهادی شده‌ی تنش‌ها، یک نظام اجتماعی تشکیل می‌دهد. یگانگی هم در داخل و هم در میان دو نظام اجتماعی و الگوهای فرهنگی ضروری است. آن‌چه از نظر نظام پارسونز در نهایت برداشت می‌شود، این است که «نظام فرهنگی» میانجی کنش متقابل کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند (کرایب، ص ۱۳۸). از طرف دیگر در نظام شخصیتی «تمایلات نیازی» (کنش‌هایی که به وسیله‌ی زمینه‌ی اجتماعی شکل می‌گیرند) کنشگر را وادار می‌کند تا بر اساس سه گونه‌ی تمایلات نیازی رفتار کند:

- نخستین گونه، کنشگر را وادار می‌کند تا در روابط اجتماعی به دنبال عشق، تأیید و نظایر آن برود.

- دومین گونه، ارزش‌های ملکه‌ی ذهن شده‌ی او را دربر می‌گیرد که کنشگران را به رعایت معیارهای گوناگون فرهنگی وامی‌دارد.

- سرانجام چشم‌داشت‌های نقشی کنشگران را به داد و ستد پاسخ‌های مناسب هدایت می‌نماید.

بر این اساس تمایلات نیازی در گونه‌ی دوم، کنشگر را وادار به انطباق هر چه بیشتر می‌نماید و از طرفی یکی از کارکردهایی که یک نظام برای زنده ماندن باید انجام دهد، کارکرد تطبیق است. هر نظامی باید با موقعیتی که در آن قرار گرفته، تطبیق پیدا کند (کرایب، ص ۱۳۱).

در واقع از این کارکرد می‌توان چنین تعبیر کرد، جوامعی که در حالت تعادل هستند و یا یکی از دو نوع جامعه (جامعه سنتی / جامعه نوین) می‌باشند، انطباق اجتماعی در آنها سهل‌تر است. ولی جوامعی که در حال گذار هستند و هنوز به تعادل نرسیده‌اند، انطباق اجتماعی در آنها به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر است.

مراحل انطباق اجتماعی از نظر پارسونز

از گانسیسمی که در حال رشد و تکامل است زمانی می‌تواند به حیات ادامه دهد که در سیستم بین اجزاء تطابق ایجاد، آنگاه سیستم هم به طور دائم در تغییر و رشد بوده و نیز می‌تواند با وضع تغییر یافته جدید تطابق یابد. تطابق از دیدگاه پارسونز یک مقوله پویا است؛ از این رو، مفهوم تطابق در نظر پارسونز با مفهوم تکامل (Evolution) مترادف است؛ از دیدگاه وی هر نظام اجتماعی در هر مرحله از تکامل اجتماعی خود با پاره‌ای از مسائل جدید روبرو می‌شود که لازم است خود را با آنها تطبیق دهد و مشخصاً مربوط به چگونگی حفظ انسجام از طریق سازگاری سیستم اجتماعی با نظام فرهنگی یا بالعکس و یا ایجاد دگرگونی در هر

دوی آنها است (Hamilton, ۱۹۸۳, P:۹۱). به زعم پارسونز تطبیق یک واحد زنده و پویا به معنای تکامل نظام اجتماعی؛ یعنی تطابق دادن جامعه با رشد حیات نظام طبیعت است چون نظام طبیعت در حال رشد و تغییر است، نظام اجتماعی هم باید در حال رشد و تغییر باشد؛ بنابراین، حرکت جوهری که در ذات طبیعت وجود دارد حرکتی است که در ذات اجتماع هم وجود دارد و این حرکت، دائماً به طرف پیشرفت و کمال است. پس چه حالت مرضی مربوط به اجزاء و عناصر مختلف سیستم باشد و چه مربوط به خود سیستم، مسئله ناشی از عدم تناسب ورودی و خروجی این سیستم است که بخشی از آن مرضی و بخشی از آن هم به روال گفته شده در بالا طبیعی است. همین نوسان - مرضی یا طبیعی - خرده سیستم فرهنگی را فعال می‌کند تا به درخواست و نیاز به تطابق پاسخ گوید و جریان رشد حیات را منظم نماید.

دیدگاه‌های کنش متقابل نمادی انطباق اجتماعی

مفهوم انطباق اجتماعی در نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی همچون کنش متقابل نمادی مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع این دیدگاه‌ها، اولاً حقیقت یا واقعیت «به گونه‌ای آماده در جهان واقعی وجود ندارد، بلکه به واسطه عملکرد ما در جهان به گونه‌ای فعالانه ساخته و پرداخته می‌شوند» دوم آن‌که آدم‌ها نظرشان دربارهٔ جهان را بر پایه چیزی استوار می‌کنند و بر همین پایه نیز دانش‌شان را به یاد می‌آورند، هرگاه که این دانش کارآیی اش را از دست دهد. احتمالاً دستخوش دگرگونی می‌شود، سوم آن‌که مردم «شناخته‌های اجتماعی و فیزیکی را که در جهان با آن برخورد می‌کنند» بر حسب فایده‌ای که برای آن فائلند، تعریف می‌کنند (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۰).

با این همه انطباق از دیدگاه‌های مختلفی که اکثراً به طرز تلقی کنشگران از واقعیت مربوط است را می‌توان از هم تفکیک کرد.

نظریه انطباق اجتماعی هربرت مید

عمده‌ترین انگاره‌هایی که از نظریه مید، می‌توان برای تبیین مسئله مورد بررسی بهره جست، عبارتند از:

۱. از آن‌جا که عمل (کنش) اجتماعی از طریق یک روند تعریف و تفسیر صورت می‌گیرد، زندگی گروهی نیز باید بر حسب همین تغییرات مطالعه شود. به عبارت دیگر کنش‌های

جمعی صرفاً یک سلسله پاسخ که توسط محرک‌ها ایجاد شده نیست، بلکه به میانجی‌گری تفسیری که اعضای شرکت‌کننده از وضعیت دارند، شکل یافته است.

۲. جامعه انسانی بر اساس عمل جاری هستی می‌باید، نه بر اساس ساخت یا روابط تثبیت شده و شکل یافته است.

۳. حقیقت کنش متقابل من یا خود که فرد را وادار به تعیین و ارزیابی موقعیت خود می‌کند من را به صورت یک کارگزار مؤثر در شکل‌گیری عمل اجتماعی در می‌آورد، مشارکت در عمل اجتماعی فقط به اعمال نیروهای خارجی فرد خلاصه نمی‌شود بلکه خود فرد باید فعالیتش را در درون یک چارچوب مشخص و محدود تنظیم کند (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۳۰۰).

۴. انسان در عین فعالیت می‌تواند تحت تأثیر خود واقع شود.

نظریه انطباق اجتماعی گافمن

محور بحث گافمن زمینه‌هایی است که در آنها تعاملات چهره به چهره رخ می‌دهد. وی اظهار می‌کند که در یک زمینه اجتماعی افراد به طور مستمر و به طور عمده از طریق ابزارهای کلامی و غیرکلامی - ارتباطات، شیوه لباس پوشیدن، خانه و کالاهایی که در اطرافشان موجود است، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. هم‌زمان، افراد در حال عرضه ادراک خود به دیگرانند. دیگران نیز در پی اطلاعات از کسانی که با آنان به تعامل مشغولند. اطلاعاتی در مورد پایگاه شخص، گرایش‌های کلی و خودپنداری (Self-Concept) شخص. این اطلاعات شاخص انتظارات دیگران از نحوه رفتار یا افرادی است که با آنها تعامل می‌کنند (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۷۴).

تأکید خاص گافمن روی زمینه‌های فضایی است که در آن تعاملات رخ می‌دهد. در واقع یکی از کانون‌های محوری وی این است که فعالیت انسان ناحیه‌بندی شده است. گافمن از تئاتر برای توصیف فضایی مورد نظر استفاده می‌کند. وی بین نواحی جلو (نمایش و تظاهر عمومی) و نواحی عقب (که برای دسترسی عمومی تعبیه نشده است) تمایز قایل می‌شود. گافمن اظهار می‌دارد که هم‌تراز با اعمال و فعالیت‌های جلو و عقب، انواع خاصی از نواحی جلو و عقب وجود دارد که با این فعالیت‌ها سازگار است. ناحیه جلو جایی است که اجرا محقق می‌شود، جایی که قواعد رفتاری مقبول، صحیح و روابط رسمی برقرار می‌گردد. در این جا مردم تا آن جا پیش می‌روند که مطمئن شوند کنش‌هایشان با استانداردهای مورد قبول اجتماع، سازگار است. برعکس، نواحی عقب، جایی است که مرزبندی‌های رسمی

به طور موقت کنار گذاشته می شود و خود-اظهاری (Self-Expressive) بدون ملاحظه تبعیت از هنجارهای مسلط رفتار اجتماعی، اعمال می شود (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۷۴-۷۵).

نیاز و انطباق اجتماعی مازلو

مازلو بر اساس نظام سلسله مراتبی نیاز خویش، به طبقه بندی سطوح نیاز افراد در جامعه انسانی پرداخته است، «در این نظم سلسله مراتبی هر چه ما از سطوح پایین نیازی به سطوح بالاتر می رویم و بر پیچیدگی نظام اجتماعی افزوده می شود، ولی پیامدهای فیزیولوژیکی آن کمتر است» نمایش این نظام نشان می دهد که در سطوح پایین نیازی (نیازهای اولیه)، نیازهای مربوط به گروه سریع تری از انسانها می شود همان طور که در رأس هرم (صفت خودشکوفایی) جامعه انسانی محدودتر می شود (ریترز، ۱۳۷۴، ص ۲۹۸).

مکتب شیکاگو و انطباق در جامعه شهری

مکتب شیکاگو از جمله دیدگاههای غالب در جامعه شناسی شهری است. صاحب نظران این مکتب بر این باور هستند که گسترش شهرنشینی، موقعیت های مکانی - فضایی کنش را برای کنشگران فراهم می کند. بر این اساس هر مکان، فضای ارتباطی، کنش خود را می طلبد. چنانچه کنشگران بدون توجه به مقتضات محیطی و نظام ارزشی - هنجاری حاکم بر این فضاها کنش را انجام دهند. کنش های مذکور منطبق با مقتضیات و ملاحظات زندگی شهری نیست و از جمله مصادیق رفتارهای ضد شهری محسوب می شود.

از میان صاحب نظران مکتب شیکاگو، نظریات پارک، لاکرمن و شوتز برای تبیین مسئله انطباق اجتماعی در زندگی شهری مناسب تر است، که بدان پرداخته می شود.

پارک و اکولوژی شهری

پارک: در نظریه اکولوژی شهری، شهر را به منزله آزمایشگاهی برای تحقیق و تفحص در خصوص رفتارهای انسانی در نظر می گیرد که می توان از نظریه فوق در زمینه انطباق اجتماعی با زندگی شهری بهره جست و به بررسی اثرگذار شهر بر کنشگران و ارتباط متقابل بین این دو پرداخت. پارک در این باره می نویسد:

«ساخت شهر با پیچیدگی و گستردگی شهود خود اولین چیزی است که ما را تحت تأثیر قرار می دهد، اما چنین ساختی خود بر طبیعت آدمی استوار است و ساخت شهری نمودی از این طبیعت به حساب می آید، از سوی دیگر سازمان وسیعی که شهر نام گرفته و در پی

پاسخ به نیازهای ساکنین پا به عرصه وجود نهاد، خود پس از شکل‌گیری به نام عنصری خارجی بر ساکنین تحمیل می‌شود و بر اساس طرح و علائق خود به ساکنین شکل می‌دهد» (افروغ، ص ۹۷).

نظریه‌های بومی‌شناسی شهری

عده‌ای از محققان جغرافی‌دان به مسئله‌گودنشینی از دیدگاه بوم‌شناسی توجه کرده‌اند. دانشمندانی چون مارشال کلینارد (Marshal. Clinard)، هومر (Homer)، شنور (Schnore)، مکیتاش (Machintosh)، ارنست بورگس (Burgess.E)، لوئیس ویرث (Louis Virth) و آبرامز (Abrams) از این جمله‌اند. این محققان با توجه به بافت فیزیکی شهر، به توجیه مکانیسم پیدایش گودنشینی پرداخته‌اند که به برخی از اهم این نظریات پرداخته می‌شود:

مارشال کلینارد عوامل گودنشینی را به دو دسته تقسیم می‌کند، که عبارتند از:

۱. تغییر در نحوه استفاده از زمین؛

۲. کمبود مسکن و عدم تعمیر و نگهداری آن.

در مورد اول ارنست بورگس و لوئیس ورت که پیرامون شهرهای ایالات متحده مطالعه کرده‌اند، عقیده دارند: «در مراحل اولیه رشد مناطق محل سکونت طبقات بالا می‌باشد و با گسترش مناطق تجاری و صنعتی، کارخانه‌ها، انبارها و مراکز عمده فروش در همسایگی این محل رشد می‌نمایند و آنها که وضع بهتری دارند از مراکز شهر به سمت خارج حرکت نموده و دور از مراکز شهر مسکن‌گزینند، کارگران کم درآمد، که شامل گروه‌های فقیر تازه وارد و گروه‌های نژادی می‌باشند به این مناطق آمده، ساکنین این نواحی می‌شوند، چون از مالکان، هزینه کمی جهت تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌دارند، شرایط فزون می‌یابد و به علت شلوغی زیاد بی‌توجهی، و تخریب توسط ساکنین این مناطق به زاغه‌ها تبدیل می‌شوند» (زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۱۳). بورگس، شکل‌گیری شهرهای صنعتی و بافت آن را در قالب نقشه دوایر متحدالمرکز به نمایش می‌گذارد (گلدنر، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰). هر چند که نقشه اکولوژی شهری هومر، بیشتر راجع به نحوه استفاده از زمین است و نظریات قبلی را کامل‌تر می‌کند. بر اساس نظریه او:

«مناطق صنعتی در امتداد دره رودخانه‌ها، کانال‌های آب و خطوط آهن از مراکز به سمت خارج شهر گسترش می‌یابند و سکونت‌گاه کارگران نیز از این روند تبعیت می‌کند و حتی کارخانه‌هایی در لایه‌های خارجی شهر ایجاد می‌شوند. بنابراین، بر اساس نظریه قطاعی،

بهترین نقاط مسکونی حلقه خارجی شهر قرار نگرفته و فقط قسمت‌هایی از شهر را می‌پوشاند» (زاهدانی، ۱۳۶۹، ص ۱۳).

جمع‌بندی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها

اجتماعات انسانی و انطباق اجتماعی انسان‌ها دو مقوله مترادف با مفاهیمی بسیار نزدیک هستند. هر فرد به عنوان یک عضو جامعه انواع کنش‌های فردی منطقی و بهنجار را از دم زادن تا لحظه مرگ از اطرافیان و دیگران می‌آموزد، درونی می‌کند، و به شیوه‌های گوناگون بروز می‌دهد. اعضای هر جامعه‌ای نه تنها ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را از دیگران می‌آموزند و رفتارهای خود را با دیگران تطبیق می‌دهند، بلکه به لحاظ شخصیتی، تمایلات، نیازها و آرزوهای خود را نیز با این کنش‌ها همسو، هم‌نوا می‌کنند.

جریان مبادله سالم تولیدات محصولات و اطلاعات اجتماعی در صورتی میسر است که تنش‌ها و تناقضات فردی و گروهی مرزهای ملی یک جامعه را مخدوش نکند. از این جهت تطبیق یافتن اعضای یک جامعه با کلیت فرهنگی همان جامعه در گرو کنش متقابل تعریف شده، وسایل و اهداف اجتماعی مناسب و مشروع برای دستیابی به این اهداف و آمال امکان حفظ انسجام و یکپارچگی اجتماعی وجود داشته باشد.

به نظر می‌رسد بهترین و مناسب‌ترین راه بهره‌گیری از انبوه نظریات و چارچوب بینشی جامعه‌شناسان توجه به این نکته کلیدی و اساسی است که میزان و نوع انطباق اجتماعی افراد (از نظر رفتار اجتماعی و عقاید اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، و الگوهای زندگی) چگونه رخ می‌دهد؟

چارچوب نظری

انطباق اجتماعی (social adaptation) از جمله مفاهیمی است که در ادبیات جامعه‌شناسی به انحاء گوناگون مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. انطباق در سطح کلان به عنوان یکی از گزینه‌های کنش اجتماعی و در سطح خرد به عنوان یک واحد کنش مورد تأکید بسیاری از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی همچون پارسونز قرار گرفته است.

با توجه به این‌که انطباق اجتماعی روستاییان، عشایر و گروه‌های قومی با زندگی شهری، ارتباط تنگاتنگی با فرایند توسعه ناموزون کشور، طولانی شدن گذار از دوران سنتی به نوین و آتومی حاصل از آن و بالاخره نظام اقتصاد جهانی دارد، در این بررسی از تئوری‌های جامعه‌شناسی بیشترین بهره‌برداری صورت گرفته و علاوه بر آن از تئوری‌های متعارف در

بین صاحب‌نظران جامعه‌شناسی شهری، انحرافات اجتماعی و مهاجرت نیز به عنوان نظریه‌های مکمل استفاده شده است.

در این بررسی سه وضعیت از کنش‌های انطباق‌گرایانه شامل:

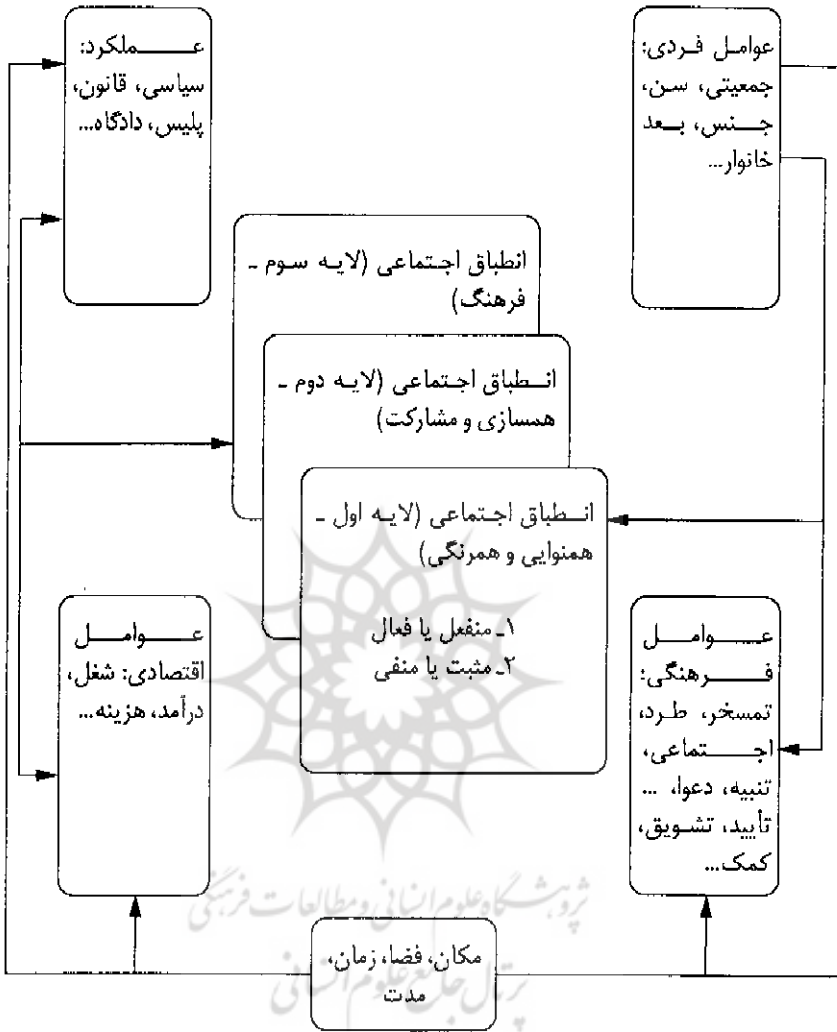
- شیوه و نوع انطباق اجتماعی؛

- میزان و شدت انطباق اجتماعی؛

- چگونگی انطباق اجتماعی.

با حالت‌های فردی خانوادگی و دیگر شرایط مقایسه می‌گردد که بیشترین میزان انطباق اجتماعی قاعدتاً در حالت انطباق منفی و کمترین شدت آن در حالت انطباق مثبت باید باشد. با توجه به وسعت معنایی مسئله، از انگاره‌ها، و مفاهیم جامعه‌شناسی کلاسیک و نوین بیشترین بهره‌برداری صورت گرفته و علاوه بر این تئوری‌های متعارف سایر حوزه‌ها درباره آسیب‌های اجتماعی، مهاجرت، حاشیه‌نشینی و روان‌شناسی اجتماعی، به عنوان نظریات مکمل استفاده گردیده است. هر یک از دیدگاه‌ها به گونه‌ای خاص به موضوع نگاه می‌کنند. متفکران ساخت‌گرا، شرایط بقاء و استمرار سیستم‌ها و نظام‌های اجتماعی و شخصیت کنش‌گران را در مفهوم انطباق اجتماعی مستتر می‌دانند. از سوی دیگر نظریه‌پردازان مکتب تضاد، دیدگاه متفاوتی را در این زمینه مورد تأیید قرار می‌دهند و بر این باور هستند که انطباق اجتماعی و توجیه آن در خدمت صاحبان نظام قدرت و محصول روابط نابرابر در سطوح مختلف است و در واقع راهکاری است که اصحاب قدرت با طرح ناگزیری انطباق اجتماعی، مؤید ساختارهای اجتماعی موجود و ضرورت انطباق کنشگران با آن می‌شوند. دیدگاه‌های مطروحه در سطح کلان - خرد برای تبیین انطباق اجتماعی، دیدگاه‌های ساختی - کارکردی، تضاد، و روان‌شناسی اجتماعی است که هر یک از منظری ویژه به مسئله انطباق اجتماعی پرداخته‌اند که در ذیل به پاره‌ای از برجسته‌ترین نظریات و رویکرد مفهومی شان و گزاره‌های منطقی آنان به مسئله مذکور پرداخته می‌شوند.

نمودار الگوی نظری تحقیق



مبانی روش‌شناسی

با توجه به اصول و مبانی روش‌شناسی، روش‌های مورد استفاده در این تحقیق روش‌های اسنادی، پیمایشی و مطالعات میدانی است. در روش پیمایشی از داده‌های توصیفی معمولاً از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه با آزمودنی‌ها و مشاهده رویدادها جمع‌آوری می‌گردند. مطالعات توصیفی از گستردگی زیادی برخوردار می‌باشند. برای هر سازه تحقیق می‌توان از انواع پرسش‌نامه‌ها استفاده کرد. در ساده‌ترین شکل پیمایش، تنها با طرح پرسش‌نامه‌هایی

درباره وضعیت موجود، گزارش‌هایی تهیه کرده و به ارائه بیان روشنی درباره رابطه بین متغیرها با توجه به فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

در تحقیقات جامعه‌شناسی، پیمایش می‌تواند در قلمرو وسیع و محدود انجام گیرد. داده‌های پیمایشی را می‌توان از تک‌تک اعضای جامعه (پیمایش سرشماری) یا از یک نمونه دقیق (پیمایش نمونه‌ای) جمع‌آوری کرد.

در روش پیمایشی داده‌ها ممکن است در رابطه با متغیرهایی باشند، که مربوط به موضوعات تحقیقی آزمایشی یا شبه آزمایشی باشند. در واقع پیمایش می‌تواند هم توصیفی و هم تبیینی و یا به هر دو صورت باشد (دواس، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

این تحقیق با عنایت به اهدافش یک تحقیق توصیفی و اکتشافی است. هر موضوع و سازه تحقیق مستلزم بهره‌گیری از روش تحقیق خاصی می‌باشد. موضوعات تحقیق با توجه به گستره و سطح مطالعاتی، از ادبیات نظری و تجربی و هم‌چنین از انواع داده‌ها و اطلاعات میدانی یا اسنادی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی تحقیق و فرضیات، بهره‌گیری می‌کند. از طرف دیگر هر یک از روش‌های تحقیق از تکنیک‌ها و ابزارهای خاصی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کنند و برای هر موضوعی باید به روش تحقیق خاصی رجوع نمود. این مطالعه از نوع پیمایشی ساده توصیفی می‌باشد، که در آن از تحلیل‌های استنباطی هم استفاده شده است.

در این تحقیق با توجه به سازه اصلی، تعاریف، اهداف و سؤالات تحقیق لازم بود از روش‌های اسنادی (Documental Research) و میدانی به صورت هم‌زمان برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌گیری شود و به همین جهت، روش پیمایشی (Survey) برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی و از روش اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات نظری و کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده است. هر یک از ابزارهای مصاحبه، مشاهده، پرسش‌نامه برای شناخت واقعیت اجتماعی انطباق در سطح کلان، میانه و خرد در این تحقیق استفاده شده است.

جامعه آماری

به دلیل مهاجرپذیری و تنوع گروه‌های قومی در اطراف بزرگ‌ترین پایانه تهران (خزانه) از بین کل محلات فقیرنشین در سطح شهر تهران منطقه ۱۶ به عنوان منطقه نمونه برگزیده شده است.

برخی از ویژگی های این منطقه نسبت به کل مناطق تهران چنین است:

- مساحت (کیلومتر مربع) $۱۶/۷۰$ درصد $۲/۳$
- جمعیت (تعداد) ۲۹۸۴۱۰ درصد $۴/۴۲$
- خانوار (تعداد) ۷۱۲۶۹ درصد $۴/۲۹$
- در جامعه آماری از هر دو جنس استفاده شده، به علاوه این توضیح که در درجه نخست از رؤسای خانوار و در غیاب آنها از همسر این افراد تحقیق و پرسش به عمل می آید. ضمن این که صرفاً از مهاجران ساکن مناطق پرسش به عمل می آید.

یافته های تحقیق

از آن جا که پاسخگویان معمولاً افرادی بی سواد و کم سواد بوده اند، نوع تدوین سؤالات و سبک و مضامین آنها بسیار ساده و در چندین نوبت مورد آزمایش و بررسی مقدماتی قرار گرفته است.

آن چه پس از این می آید نتایج حاصل از به کارگیری تعداد زیادی از پرسش نامه ها است که اغلب از طریق مصاحبه حضوری جمع آوری شده است.

جدول شماره ۱: توزیع جمعیت نمونه بر حسب مهم ترین علت مهاجرت به تهران

علت مهاجرت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا، بیکاری	۱۰۴	۴۰/۳	۴۰/۸
حرف و نقل ها، درگیری های قومی و محلی، سنت های سختگیر و مانند آن	۱۳	۵/۰	۴۵/۸
ضعف و فقدان امکانات و تسهیلات زندگی در روستا (بهداشتی، خدماتی و)	۴۶	۱۹/۰	۶۴/۸
تحصیلات، ازدواج و سربازی	۳۵	۱۳/۶	۷۸/۴
سایر	۴۸	۱۸/۶	۹۷
بی جواب	۹	۳	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰	

هم چنان که ملاحظه می شود داده های جدول بالا بیانگر آن است که بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۰۴ نفر یا $۴۰/۳$ درصد به افرادی تعلق داشته که مهم ترین علت مهاجرت شان نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا و یا بیکاری بوده و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۱۳ نفر یا $۵/۰$ درصد به افرادی تعلق داشته که مهم ترین علت مهاجرت شان حرف و نقل ها، درگیری های قومی و محلی، سنت های سختگیر و مانند آن بوده است.

جدول شماره ۲: توزیع جمعیت نمونه بر حسب مهم‌ترین علت اقامت در محل سکونت

علت اقامت در محل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال	۸۳	۳۲/۲	۶۲/۴
وجود اقوام و آشنایان در محل	۶۲	۲۴/۰	۸۶/۴
سایر موارد	۳۲	۱۲/۴	۹۸/۸
بی‌جواب	۳	۱/۲	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰	

با توجه به داده‌های جدول فوق مشاهده می‌شود که بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۸۳ نفر یا ۳۲/۲ درصد به گزینه اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال اختصاص یافته و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۳ نفر یا ۱/۲ درصد به سایر موارد تعلق داشته است.

جدول شماره ۳: توزیع جمعیت نمونه بر حسب مهم‌ترین مشکل یا علت نارضایتی از سکونت

علت نارضایتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کوچک بودن فضای مسکن و کمبود اتاق	۵۹	۲۲/۹	۲۲/۹
شلوغی محل، بازی و سر و صدای بچه‌ها	۳۶	۱۴/۰	۳۶/۹
نظافت و بهداشت پایین	۱۸	۷/۰	۴۳/۹
دعوا و درگیری در محل و بداخلاقی همسایه‌ها	۱۸	۷/۰	۵۰/۹
مشکلی ندارم	۸۹	۳۴/۵	۹۳/۳
سایر	۱۴	۵/۴	۹۹/۳
بی‌جواب	۲	۰/۸	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰	

طبق آمار داده‌های جدول فوق بیان می‌دارد، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۸۹ نفر یا ۳۴/۵ درصد شامل کسانی بوده است که در پاسخ به مهم‌ترین مشکل یا علت نارضایتی از محل سکونت‌شان گزینه مشکلی ندارم را انتخاب کرده‌اند و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۱۴ نفر یا ۵/۴ درصد شامل کسانی بوده است که به سایر موارد اشاره کرده‌اند.

جدول شماره ۴: توزیع جمعیت نمونه بر حسب تردد افراد با صفات گوناگون در محل

تردد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
درویش و گوشه گیر	۲۱	۴/۸۹	۴/۸۹
قمارباز	۲۸	۶/۵۲	۱۱/۴۱
شراب خوار	۲۴	۵/۵۹	۱۷
معتاد	۱۱۸	۲۷/۵۰	۴۴/۵
سارق	۳۹	۱۱/۴۲	۵۵/۹۲
بیمار روانی	۱۸	۴/۱۹	۶۰/۱۱
متکدی	۵۲	۱۲/۱۲	۷۲/۲۳
فساد اخلاقی	۴۵	۱۰/۴۸	۸۲/۷۱
زندانی شده	۳۴	۷/۹۲	۹۰/۶۳
سایر موارد	۴۰	۹/۳۲	۱۰۰
جمع	۴۲۹	۱۰۰	

در پاسخ به این سؤال بیشترین میزان فراوانی مربوط به گزینه معتاد با فراوانی ۱۱۸ و یا ۲۷/۵۰ درصد و کمترین میزان فراوانی مربوط به گزینه بیمار روانی با فراوانی ۱۸ و یا ۴/۱۹ درصد می باشد.

جدول شماره ۵: توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستائیان و عشایر مهاجر در شهر تهران در لایه اول - همنوایی (ENNI)

میزان همنوایی (ENNI)	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۹۰	۳۴/۹	۳۴/۹
متوسط	۱۲۶	۴۸/۸	۸۵/۷
زیاد	۴۲	۱۶/۳	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰	

بر اساس داده های جدول، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۲۶ نفر یا ۴۸/۸ درصد شامل کسانی بوده است که در لایه اول - میزان همنوایی با گرایش متوسط و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۴۲ نفر یا ۱۶/۳ درصد اختصاص به کسانی داشته که دارای همنوایی با گرایش زیاد بوده اند.

جدول شماره ۶: توزیع جمعیت بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستائیان و عشایر مهاجر در شهر تهران در لایه دوم - همسازی و مشارکت (ENN2)

میزان همسازی و مشارکت (ENN2)	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۹۰	۳۴/۹	۳۴/۹
متوسط	۱۱۹	۴۶/۱	۸۱/۰
زیاد	۴۹	۱۹	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰	

با توجه به داده‌های جدول فوق بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۱۹ نفر یا ۴۶/۱ درصد شامل کسانی بوده است که در لایه دو - همسازی و مشارکت با گرایش تا حدودی و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۴۹ نفر یا ۱۹ درصد اختصاص به کسانی داشته که در لایه دوم - همسازی و مشارکت با گرایش زیاد بوده‌اند.

جدول شماره ۷: توزیع جمعیت بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستائیان و عشایر مهاجر در شهر تهران در لایه سوم - فرهنگ‌پذیری (ENN3)

فرهنگ‌پذیری ذهنی (ENN3)	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۵۰	۱۹/۴	۱۹/۴
متوسط	۷۳	۲۸/۳	۴۷/۷
زیاد	۱۳۵	۵۲/۳	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰	

طبق داده‌های جدول، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۳۵ نفر یا ۵۲/۳ درصد شامل کسانی بوده است که میان فرهنگ‌پذیری ذهنی با گرایش زیاد و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۵۰ نفر یا ۱۹/۴ درصد شامل کسانی بوده که فرهنگ‌پذیری با گرایش کم بوده‌اند.

جدول شماره ۸: توزیع جمعیت بر حسب مواردی که در تهران هست ولی در ولایت مهاجر نبوده

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	مواردی که در تهران هست ولی در ولایت مهاجر وجود ندارد
۸/۵۸	۸/۵۸	۵۳	آزادی
۱۶/۰۳	۷/۴۵	۴۶	ناشناسی
۲۶/۸۸	۱۰/۸۵	۶۷	پول و ثروت
۲۸/۳۳	۱/۴۵	۹	محبت و عاطفه
۲۹/۴۶	۱/۱۳	۷	اعتقادات دینی
۳۰/۱۰	۰/۶۴	۴	مردانگی و لوطی‌گری
۳۸/۵۲	۸/۴۲	۵۲	زندگی مجهز
۴۷/۲۷	۸/۷۵	۵۴	رفاه و آسایش
۵۵/۶۹	۸/۴۲	۵۲	تجمل
۵۹/۵۷	۳/۸۸	۲۴	خوراک و تغذیه
۶۲	۲/۴۳	۱۵	امنیت
۶۲	۲/۴۳	۱۵	کار و شغل
۷۹/۸۲	۸/۷۵	۵۴	خودخواهی
۹۱/۷۲	۱۱/۹۹	۷۴	ریا و دوز و کلک
۹۲/۶۹	۰/۹۷	۶	صداقت و دوستی
۹۹/۸۱	۳/۵۶	۲۲	گرسنگی
۹۹/۸۱	۳/۵۶	۲۲	وقت‌شناسی
۱۰۰	۰/۱۹	۲۰	بی‌جواب
	۱۰۰	۶۱۷	جمع

مطابق آنچه داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد، بیشترین میزان فراوانی مربوط به گزینه دوز و کلک می‌باشد با فراوانی ۷۴ و یا ۱۱/۹۹ درصد و کمترین میزان مربوط به گزینه مردانگی و لوطی‌گری با فراوانی ۴ و یا ۰/۶۴ درصد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مطابق داده‌های جدول توصیفی مشاهده می‌شود که بیشترین میزان فراوانی جمعیت نمونه به کسانی اختصاص داشته است که جنسیت آنها مرد بوده و در طبقه سنی کمتر از ۳۵ سال قرار داشته و دارای شغل آزاد بوده‌اند و درآمدی کمتر از ۱۵۰ هزار تومان دارند، میزان تحصیلات متوسطه و دیپلم بیشترین میزان فراوانی را دارد، با ذکر این مطلب که اکثراً متأهل و دارای یک یا دو فرزند، مالکیت منزل خود را هم ندارند و مبدأ مهاجرت‌شان شهری

غیر مرکز استان می‌باشد و البته مدت اقامتشان در تهران و محل مسکونی فعلی‌شان کمتر از ۱۵ سال می‌باشد.

هم‌چنین پاسخ‌گویان مهم‌ترین علت مهاجرت را نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا و بیکاری عنوان کرده‌اند، مساحت زیربنای واحد مسکونی‌شان کمتر از ۷۵ مترمربع علت اقامت در محل سکونت فعلی‌شان اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال می‌باشد.

در پاسخ به مهم‌ترین مشکل یا نارضایتی از محل زندگی فعلی‌شان، گزینه مشکلی نداریم را عنوان نموده‌اند. بیشترین مورد تردد افراد با خصوصیات گوناگون در محله‌شان را افراد معتاد ذکر کرده‌اند.

در خصوص میزان انطباق اجتماعی مهاجرین عشایر و روستایی با الگوهای رفتاری و اعتقادی تهرانی‌ها، گرایش پاسخ‌گویان به یازده محور یعنی نحوه معاشرت کردن با اقوام، نحوه لباس پوشیدن، نحوه تفریح کردن، نحوه حرف زدن، سلیقه خوراک و تغذیه، جشن و عروسی، نحوه پول خرج کردن، نحوه عزاداری، وسایل زندگی، نحوه کارکردن و نحوه محبت کردن به والدین و بستگان نزدیک از طریق طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد، به طور کلی یافته‌ها حاکی از آن است که بیشترین میزان انطباق به ترتیب اولویت عبارتند از: نحوه تفریح کردن، نحوه حرف زدن، خوراک و پوشاک، عزاداری کردن، وسایل زندگی و نحوه کارکردن‌شان و در آخرین گرایش نیز نحوه معاشرت با اقوام و محبت به والدین و بستگان نزدیک شده است. در مجموع حاصل کل گرایش‌ها در همه سؤالات که به عنوان همه لایه اول انطباق، یعنی هم‌نوایی (ENN1) آورده شده، در گرایش متوسط بوده است.

مطابق هم‌نوایی فوق‌الذکر اکثر پاسخ‌گویان مایلند که رفتاری مانند: نحوه تفریح کردن، نحوه حرف زدن، خوراک و پوشاک، عزاداری کردن، وسایل زندگی و کارکردن تهرانی‌ها را انجام دهند، اما وقتی از آنها سؤال شد که در صورت رفتن به ولایتان کدام یک از این رفتار تهرانی‌ها را می‌توانید انجام دهید تقریباً همه گزینه‌ها در حد کم و بسیار کم پاسخ داده و معلوم شد که این مهاجرین برای انجام دادن این علایق خود در ولایت‌شان دچار مشکل هستند. با وجود این برخی از مقولات که بیشتر جنبه کمی و اقتصادی داشت، با مشکلات کمتری همراه بوده است مانند تفریح کردن، خوراک، وسایل زندگی و نحوه کارکردن. به طور کلی بیشترین میزان انطباق، یعنی هم‌سازی و مشارکت (ENN2) در گرایش متوسط بوده است.

به علاوه میزان انطباق اجتماعی مهاجرین عشایر و روستایی با الگوهای رفتاری و

اعتقادی تهرانی‌ها در عمیق‌ترین سطح، یعنی فرهنگ‌پذیری در دو قسمت مورد توجه قرار گرفته است. یکی انطباق عمیق ذهنی و دیگری انطباق عمیق عینی.

به طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان انطباق در لایه سوم، یعنی فرهنگ‌پذیری ذهنی (ENN3) در گرایش زیاد بوده است که از طریق سنجیده شده است از هفت سؤال گرایشی با روش لیکرت مانند: «اگر آدم از گرسنگی بمیرد یک نفر لگد مفت هم به ما نمی‌زند»، «پلیس کوچک‌ترین بهانه‌ای دستش بیفته، آدمو دست‌گیر می‌کنه و گیر می‌ده»، «پول توی دلالی و مایه‌کاریه»، «هرکس دروغ بگه، کارش جلوتره» و... بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ ذهنی، ترس از پلیس و دادگاه و در مراتب بعدی بی‌اعتمادی به دیگران و در پایان پول‌پرستی و دروغ‌گویی بیشترین گرایش را در بین افراد ایجاد کرده است. به هر حال نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ‌پذیری در این لایه به صورت کاملاً ناقص و در سطح نازلی انجام می‌شود. داده‌های مربوط به فرهنگ‌پذیری عینی و رفتاری نیز این موضوع را به اثبات می‌رساند. به طور کلی بیشترین میزان انطباق در مجموع کل گرایشات این سؤال یا همان لایه سوم انطباق، یعنی فرهنگ‌پذیری ذهنی (ENN3) در گرایش متوسط بوده است.

یافته‌های دو گرایش فرهنگ‌پذیری عینی و ذهنی در مجموع نشانگر آن است که مهاجرین روستایی و عشایری در شهر تهران ابتدا به صورت ذهنی و سپس به صورت عینی و رفتاری دچار تغییر می‌شوند.

دستاوردهای عملی و نظری تحقیق

مهم‌ترین دستاوردهای نظری و تجربی تحقیق، عبارتند از:

۱. مفهوم انطباق اجتماعی در نظام‌های نوین «مرکزگرا» بوده و همیشه بر اساس رویکرد و انتظارات این نظام‌ها، کنش‌ها و رفتار شهروندان مهاجر مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌گیرد و حتی آنان را مسبب بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی تصور می‌نماید، در صورتی که مسائل گروه‌های فوق بیشتر معلول شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است تا میل و اراده کنشگران.

۲. هر نظام اجتماعی، الگوهای کنشی و ارتباطی خاص خودشان را تولید می‌کند و در صورتی کنشگران یکباره در معرض تغییرات درونی - بیرونی قرار گیرند و چرخه اجتماعی لازم را برای ورود (فرهنگ‌پذیری، جامعه‌پذیری) به زندگی شهری سپری نکرده باشند، انطباق اجتماعی نابهنجار شکل می‌گیرد.

۳. انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری بیشتر در سطح هم‌نوایی، هم‌رنگی و فرهنگ‌پذیری ذهنی است تا سطوح بالاتر انطباق اجتماعی (همسازی، مشارکت و فرهنگ‌پذیری عینی) و همین مسئله خاص‌گرایی گروه مهاجران، کارآمدی شیوه‌های فرعی ماقبل زندگی شهری، عادت‌ی شدن بی‌نظمی و عیان نشدن آنومی در جامعه و از این قبیل را دامن می‌زند.

۴. تمایل به انطباق اجتماعی، در طبقات، گروه‌های اجتماعی، خرده فرهنگ‌ها، شهرها و روستاهایی که در موقعیت حاشیه‌ای قرار گرفته‌اند، کمتر است.

۵. نیاز مطالعه انطباق اجتماعی در مقایسه با سایر مفاهیم متعارف جامعه‌شناختی (سازگاری، وفاق، هم‌نوایی، نوآوری، آسیب‌های اجتماعی، همبستگی اجتماعی، آنومی و... که شامل مسایل روزمره و فوری جامعه می‌شود) کلان‌تر و اساسی‌تر است؛ زیرا ریشه بسیاری از مفاهیم فوق در ارتباط با مفهوم انطباق اجتماعی معنا می‌یابد.

۶. در جوامعی که به دلیل شرایط تاریخی نظام پدرسالار (متمرکز) بر آن سیطره دارد، انطباق اجتماعی تابع نظام قدرت و زور است و زمانی که نظارت اجتماعی به هر شکل تضعیف شود، گونه‌های مختلف انطباق اجتماعی نابهنجار در جامعه نمود پیدا می‌کند.

۷. میزان انطباق اجتماعی با زندگی شهری در ۳ سطح هم‌نوایی، همسازی و فرهنگ‌پذیری در ارتباط تنگاتنگ و پیوسته با عامل فردی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیطی است که با بهره‌گیری از نظریات مختلف و اتخاذ رویکرد سیستمی می‌توان به درک درستی از واقعیت اجتماعی انطباق مهاجران با زندگی شهری دست یافت.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آرون، ریمون، ترجمه باقر پرهام، مراحل اساسی رشد اندیشه در جامعه‌شناسی، جلد اول، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
۲. آزاد ارمکی، تقی، نظریه جامعه‌شناسی، تهران، سروش «انتشارات صدا و سیما»، ۱۳۸۱.
۳. آگبرن و نیمکف، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، انتشارات دهخدا، ۱۳۵۳.
۴. اورعی، صدیق، تعارض‌های فرهنگی و وفاق اجتماعی در ایران، (بی‌تا).
۵. افروغ، عماد، فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
۶. ابوالحسن تنهایی، حسین، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات مرندیز، ۱۳۷۱.
۷. اسکیدمور، ویلیام، تفکر نظری جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران. چاپ اول، انتشارات سفیر، ۱۳۷۲.
۸. ازکیا، مصطفی، نامه علوم اجتماعی، «مقاله اعتبار تجربی و نظریه دیدگاه نوسازی با تأکید بر جامعه قبیله‌ای و دهقانی شادگان»، شماره ۷، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۹. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ اول، انتشارات کیهان، ۱۳۶۷.
۱۰. توسلی، غلام حسین، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۶۹.
۱۱. پیران پرویز، آلونک‌نشینی در تهران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سوم، شماره ششم، ۱۳۶۶.
۱۲. پاتریشناک، لگان و کریستونل، عصر مشارکت، مترجم مصطفی اسلامی، تهران، دفتر تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۱۳. پلدنکت، لورن و فورنیه، رابرت، مدیریت مشارکت‌جو، مترجم محمدعلی طوسی، تهران، مرکز آموزش و مدیریت دولتی، ۱۳۸۰.
۱۴. پارسونز، تالکوت، جامعه‌شناسی پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۷۶.

۱۵. چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، «تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی»، تهران، انتشارات نی، ۱۳۷۵.
۱۶. حسین زاده، فهیمه، زمستان، الگوهای فرهنگی حاکم بر نظم وفاقی به عنوان پیش شرط توسعه در جاجرم بجنورد، تحقیق‌های بنیادین، ۱۳۷۴.
۱۷. دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
۱۸. رئیس دانا، فریبرز، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰.
۱۹. رشه، گی، کش اجتماعی، دکتر زنجانی زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۷.
۲۰. رشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه دکتر منصور وثوقی، تهران انتشارات نی، ۱۳۶۶.
۲۱. ریتزر، جرج، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
۲۲. رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش «انتشارات صدا و سیما»، ۱۳۷۸.
۲۳. روح الامینی، محمود، نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران، آگه، ۱۳۷۵.
۲۴. سیف‌اللهی، سیف‌الله، مبانی جامعه‌شناسی «اصول و مسایل اجتماعی»، تهران، انتشارات مرندیز، ۱۳۷۴.
۲۵. —————، اقتصاد سیاسی ایران «فصل هشتم نگرش جامعه‌شناسی بر مهاجرت روستائیان به شهرها در ایران»، تهران، پژوهشکده المیزان، ۱۳۷۴.
۲۶. —————، بررسی جامع مسایل اجتماعی شهر تهران، «کتاب اول مباحث نظری و روش‌شناسی»، تهران، پژوهشکده المیزان، ۱۳۷۳.
۲۷. —————، جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌پژوهان سینا، ۱۳۸۱.
۲۸. شکویی، حسین، حاشیه‌نشینان شهر تبریز، مرکز مطالعات محیط زیست دانشگاه تبریز، ۱۳۵۴.
۲۹. شایگان، داریوش، آسیا در برابر غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۴.
۳۰. فروم، اریک، فولادوند، عزت‌الله، چاپ ششم، انتشارات مروارید، ۱۳۷۰.
۳۱. کاتوزیان، جامعه‌شناسی تاریخی ایران، «حکومت خودکامه»، انتشارات مرکز، ۱۳۷۷.

۳۲. گرب، ادوارد ج، نابرابری اجتماعی، «دیدگاه نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، مترجمان محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاده»، تهران، نشر معاصر، ۱۳۷۳.
۳۳. گلدنر، الوین، بحران جامعه‌شناسی، ترجمه فریده ممتاز، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸.
۳۴. محسنی، منوچهر، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۳۵. ورسلی، پیتر، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان، تهران انتشارات چاپخش، ۱۳۷۳.
۳۶. یاراحمدی، امیر، به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۸.
37. Bently.G.C. (1981) Ethnicity and nationality; Atians, Bibliographic Guide, scattle, W.A; uviversity of Washing on press.
38. David, G,V, (1981) Psychological adaptation a nddjsfuation Among refugees, International migration Review, 15, 255, 275.
39. Kim, y, (1988), Communication and cross-cultural adaptation, philadelphia; multilingual matters, (P9).
40. Montgomery, R, (1996) The component of Refugee adaptation, International migration Review, vol; 12, No; 3.
41. sadarosadut, seyed Javad. (1995) Psych-social and cultural Adjustment Among International student, (thesis), Australia, wollongong university.
42. Hamilton, peter, (1983), key sociogists series editor, talcott parsons, london, Routledge.
43. iddens, anthony, (1990) sociology a brief but critical introduction london, macmillan.
44. Ritzer, george, (1988), sociological theory, new york, Alfred A. Knopf.
45. smelser. Neilj. parsons. Talcott, (1984) Economy and society, london, routledge kegan paul.
46. Hutnik, nimmi, (1986) patterns of ethnic minority identification & modes of social adaptation, Etnic & Racial studeies volume 9 number 2. april. delhi University.